

# محیط زیست طبیعی از دیدگاه حکمت متعالیه

□ دکتر سید مصطفی محقق داماد

استاد دانشگاه شهید بهشتی

واژه اکولوژی که در دهه‌های اخیر ابعاد وسیعی و بخشها و انشعابات گوناگونی یافته و در رسانه‌های گروهی مکرراً بکار می‌رود، کمتر از صد سال است که معنای زیست‌شناسی بخود گرفته است.<sup>۱</sup>

این واژه از ریشه یونانی ایکس<sup>۲</sup> بمعنای خانواده و لوگوس<sup>۳</sup> بمعنای دانش چیزی برگرفته می‌باشد، و بنابراین اکولوژی یعنی عملی که راجع به امور حیاتی و ضد حیاتی پیرامون هر موجود زنده بحث می‌کند. اکولوژی شامل دانش تدبیر و اداره طبیعت بطور کلی، و همچنین اجزاء خاص طبیعت و نحوه بهم پیوستگی و وابستگی آنها به یکدیگر و اینکه چگونه آنها با هماهنگی یکدیگر یک مجموعه را تشکیل داده‌اند، نیز می‌شود. و به دیگر سخن اکولوژی دانشی است که در فهم جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، و همچنین اینکه جهان چه تأثیری بر ما می‌گذارد، ما را یاری می‌دهد، و از همین نظر است که رابطه بسیار تنگاتنگی با فلسفه خواهد یافت.

فلسفه طبیعت بمعنای اندیشیدن انسان در پدیده‌های جهان و بهره‌مندی او از این معرفت، در رفع نیازهای روحی از رهگذر درک جمال و زیبایی، تاریخی دراز دارد و به صدها سال پیش از افلاطون و ارسطو بر می‌گردد. ذکر این نکته هم‌خالی از اهمیت نیست که مطالعه در تاریخ

## چکیده

مردم عامه چنین می‌پندارند که فلسفه موضوعی کاملاً جدا از زندگی روزمره است. وقتی گفته می‌شود فیلسوف، شخصی در نظرشان می‌آید که از زندگی عادی و معمولی کاملاً فاصله گرفته و در معنای متعالی وجود فکر می‌کند. واقعیت این است که هر چند این پندار دور از حال مردم کوچه و بازار تا حدودی جای گرفته ولی علاوه بر آنکه پیشینه فکر فلسفی آن را تأیید نمی‌کند سیره عملی و علمی فیلسوفان گذشته و معاصر نشان می‌دهد که کاملاً درگیر مسائلی بوده و هستند که برای زندگی روزانه ما اهمیت و با آن تماس مستقیم و یا غیرمستقیم دارد.

درست است که فیلسوف درباره هستی بطور کلی می‌اندیشد، ولی جای انکار نیست که بخش عمده‌ای از دل مشغولی او در مورد هستی جهان و انسان و جایگاه او و ارتباط کل هستی با اوست.

## کلیدواژگان

محیط زیست؛	اکولوژی؛
طبیعت؛	مراتب هستی؛
وحدت هستی؛	حیات طبیعت؛
حشر طبیعت.	

۱. پوپکین و استرول، ۱۹۸۱، ص ۱۴.

2. Oikos.

3. Logos.